

این هوش به فرد دید کلی در مورد زندگی و همه تجارب و رویدادها می‌دهد و او را قادر می‌سازد به چارچوب بندی و تفسیر مجدد تجارب خود پرداخته تا بتواند شناخت و معرفت خویش را عمق بخشد.



برای رسیدن به موفقیت در زندگی، لازم نیست که افراد فقط دارای هوش عمومی بالایی باشند. بلکه هوش هیجانی و هوش معنوی بالا لازم می‌باشد؛ به ویژه، داشتن نمره هوش معنوی بالا سبب می‌شود افراد از حد جسم و ماده فراتر رفته، حالات اوج هوشیاری را تجربه کنند. پژوهش‌های بی‌شماری، **رابطه‌ی مثبت بین معنویت و موفقیت** را تأیید نموده‌اند. نتایج این پژوهش‌ها حاکی از آن است که ارزش‌های معنوی نه تنها به بهبود کیفیت زندگی کاری کارکنان می‌انجامد بلکه این توانایی بالقوه را دارند که کارایی کل سازمان را ارتقا بخشنند.

کینگ^۲ هوش معنوی را به عنوان مجموعه ظرفیت‌های روانی که با آگاهی، انسجام و کاربرد جنبه‌های متعالی و معنوی (غیر مادی) وجود فرد سرو کار دارند، تعریف می‌کند که به پیامدهایی همچون بازتاب عمیق وجودی، افزایش معنا، بازشناسی خود متعالی و تسلط ویژگی‌های معنوی می‌انجامد. او چهار مولفه اصلی تشکیل دهنده هوش معنوی را تفکر وجودی انتقادی^۳، خلق معنای شخصی^۴، آگاهی متعالی^۵ و توسعه حالت آگاهی^۶ می‌داند.

² King

³ Critical existential thinking

⁴ Personal meaning production

⁵ Transcendental awareness

⁶ Conscious state expansion

آیا هوش معنوی می‌تواند

توانمندی تدریس را ارتقاء دهد؟!

دکتر حسین کریمی مونقی، مریم اکبری لاکه، دکتر عباس مکارم، دکتر حبیب‌ا... اسماعیلی، دکتر مهدی ابراهیمی، دکتر احمد عاشوری و حکیمه سابقی

دفتر توسعه آموزش علوم پزشکی دانشکده پرستاری و مامایی مشهد

در سالهای اخیر علاقه فزاینده‌ای به کاربرد معنویت در عملکرد سازمان به وجود آمده است. با نگاهی اجمالی از دوران افلاطون تا امروز، انواع هوش مطرح شده است و اخیراً هوش معنوی. در چند سال اخیر تمایلی برای ادغام دو سازه هوش و معنویت در یک سازه واحد تحت عنوان هوش معنوی به وجود آمده است. امونز^۱ هوش معنوی را این‌گونه تعریف می‌کند "چهارچوبی برای شناسایی و سازماندهی مهارت‌ها و توانایی‌های مورد نیاز برای درک عمیق سوالات حیاتی و بینشی برای سطوح چندگانه آگاهی". هوش معنوی از روابط فیزیکی و شناختی فرد با محیط پیامون خود فراتر رفته و وارد حیطه شهودی و متعالی دیدگاه فرد به زندگی می‌گردد و همین مسئله پاسخ به سؤالاتی همچون «من کیستم؟»، «چرا اینجا هستم؟» و «چه چیزی مهم است؟» را برای انسان روشن می‌سازد.

¹ Emmons



در تحقیقی که کریمی و همکاران (۱۳۸۹) در دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام دادند مشخص گردید که افراد دارای هوش معنوی بالا به طور معنا داری از توانمندی تدریس بیشتری برخوردار هستند.

لذا تقویت هوش معنوی موجبات ارتقای توانمندیهای تدریس را فراهم می نماید. به دلیل نقش کلیدی اعضای هیات علمی در سیستم آموزشی با تجدید نظر در برنامه ها و سیاستهای آموزشی می توان به ارتقای هوش معنوی و توانمندیهای مدرسان پرداخت. به نظر می رسد **تقویت هوش معنوی با برنامه های اصولی مسیر میانبری برای ارتقای نظامهای آموزشی از جمله دانشگاهها**.

منبع برای مطالعه بیشتر:

- کریمی و همکاران، ارتباط هوش معنوی با توانمندی تدریس در اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی، پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۱۳۹۰

تجربه نشان می دهد که با وجود برخورداری فارغ التحصیلان از مبنای علمی و نظری کافی، این افراد در محیط کار از کارایی و مهارت کافی برخوردار نیستند و عدم توانایی فارغ التحصیلان در مواردی مثل به کارگیری مسائل نظری در عمل، مشکل گشایی، انجام مهارت های مربوط به حیطه روانی حرکتی دیده شده است. شاید بررسی توانمندی های مدرسان و شناخت عوامل مرتبط با این توانمندیها از جمله هوش معنوی؛ مدیران آموزشی را به راه حل این معما که چرا فارغ التحصیلان در بکارگیری مسائل نظری در عمل مشکل دارند، برساند.

ذهن انسان دارای گروهی از توانایی ها و استعدادها است که وی را قادر به حل مسئله می سازد. **اگرچه هوش عقلانی فرد نقش به سزاپی در کمک به فرد در حل مسائل دارد اما تحقیقات نشان داده است که قلمروهایی ویژه در لوب گیجگاهی⁷ که به تفسیر و تعبیر ارزشهای معنوی می پردازنند، نقش مهمی در حل مسائل روزمره فردی دارند که تحت عنوان هوش معنوی خطاب می شود و در نتیجه فرد را چه در مهارتها و چه ارتباط با دیگران و اخلاق حرفه ای یاری خواهند نمود. شاید برای ارتقای توانمندی های مدرسان، در کنار بسیاری از آموزشها، ارتقای هوش معنوی تاثیرگذار باشد.**



Email: nms.edo@mums.ac.ir

Web:

http://www.mums.ac.ir/nurse/fa/EDO_main



⁷ Temporal lobe